

ظرفیت ترکیبی ضمائر اشاره و نقش آنها در زبان فارسی

دکتر عباسعلی وفایی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

شیوه مرسوم ساخت واژگان ترکیبی در زبان فارسی، ترکیب‌سازی از پایه واژه‌ها یا تکواژه‌های آزاد فعلی یا غیر فعلی است. تمام مقوله‌های هفتگانه زبان فارسی ظرفیت ترکیب‌سازی فراوانی دارند. درباره ترکیب‌سازی برخی از مقوله‌های زبان فارسی همانند فعل و اسم و صفت تاکنون مطالب فراوانی نوشته شده؛ اما درباره دیگر مقوله‌ها تحقیقات کمتری صورت گرفته است. بررسی واژه‌هایی که از ترکیب ضمیر، حرف، شبه‌جمله به دست آمده است ضمن برخورداری از اهمیت تحقیق، امکان ترکیب‌سازی این مقوله‌های زبان را نیز آشکار می‌سازد. این مقاله بر آن است که از میان ضمائر زبان فارسی به اهمیت و ظرفیت ترکیب‌سازی ضمائر اشاره در زبان فارسی بپردازد و با توصیف نمونه‌هایی از نثر فارسی امروز، نوع و نقش آنها را تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: ترکیب در زبان فارسی، ضمیر اشاره، کلمه مرکب قید، حرف در زبان فارسی، دستور زبان فارسی.

۱۵۷



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۶، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۸۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۶/۲۲

مقدمه

زبان فارسی ظرفیت فراوانی در واژه‌سازی دارد و نویسندگان و شاعران از گذشته‌های دور از این ظرفیت در ساخت واژگانی نو بهره جسته‌اند. با گذر زمان و با پیدایش موضوعات تازه، این ماهیت زبان بیشتر نمود یافته و در اقسام مقوله‌های زبانی فعل، صفت، ضمیر، قید، حرف و شبه‌جمله از راه ترکیب و اشتقاق به گونه‌های مختلف واژگان جدیدی پدید آمده است.

پژوهش در کنش زبان فارسی نشان می‌دهد زمانی افعال ساده نیاز اهل زبان را برآورده می‌کرد اما نیازهای جدید، سبب شد که ساختهای دیگری از فعل در زبان فارسی پدید آید. در سایر انواع واژگان زبان فارسی نیز همین‌گونه ظرفیت واژه‌سازی نمود یافت. اسم، صفت، قید، ضمیر و حرف و شبه‌جمله از آن جمله است که بیان تحول و ظرفیتهای ترکیبی در هر مورد، خود مباحث گسترده‌ای می‌طلبد تا این زایایی و نیرومندی زبان بیشتر نشان داده شود.

پیشینه تحقیق

در موضوع ترکیب‌سازی در مقوله‌های زبان فارسی مطالب فراوانی نوشته شده است؛ اما سهم این پژوهشها در گروه اسمی و صفتی و فعلی بیشتر است. در این پژوهشها مقوله‌های دیگر زبان سهم اندکی داشته بویژه ترکیب‌سازی از ضمیر، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. نگاهی به کتابهای مهم تحقیقات زبانی شامل دستور زبانها و یا مقاله‌های تحقیقی بیانگر این است که این بخش از زبان کمتر از سایر بخشها مورد پژوهش قرار گرفته است. از منابعی که در موضوع اشتقاق (کلباسی، ۱۳۸۰) و یا در ترکیب واژگان فارسی نوشته شده است (مقربى، ۱۳۷۲) بسیار گذرا به ترکیب ضمائر نظری افکنده‌اند و پرداخت دقیق و جامعی به ترکیب ضمیر اشاره در ساخت کلمات جدید نداشته‌اند؛ لذا این مقاله، پژوهش در موضوع ظرفیت ضمائر اشاره را در ترکیب واژگان فارسی اساس کار خود قرار داده است.

مرکب

واژه مرکب این است که بیش از یک تکواژ مستقل داشته باشد. در زبان فارسی سهم گروه اسمی در ترکیب‌سازی بیش از مقوله‌های دیگر است. زبان فارسی یکی از زبانهای ترکیبی به شمار می‌رود « و منظور از ترکیب این است که می‌توان از پیوستن واژه‌های

ظرفیت ترکیبی ضمائر اشاره و نقش آنها در زبان فارسی

زبان به یکدیگر یا افزودن پیشوند و پسوند بدانها برای بیان معانی و مفاهیم تازه بهره گرفت» (مقربى: ۱۳۷۲، ۶).

مشکوة‌الدینی درباره مرکب می نویسد:

مرکب دو یا چند پایه واژه تجزیه پذیر است. در ساخت واژه مرکب ممکن است میانوند، پیشوند، پسوند، حرف اضافه و یا برخی تکواژهای دستوری دیگر به کار رفته باشد. از لحاظ دسته یا مقوله دستوری، تکواژهای سازنده واژه‌های مرکب در دسته‌هایی مانند دسته‌های زیر قرار می گیرند:

الف) حرف اشاره* + اسم: اینجا، آنجا... (مشکوة‌الدینی: ۱۳۸۴، ۲۹).

مشکوة‌الدینی در تقسیم بندی دسته‌های مرکب در بخش نخست به ترکیب حرف اشاره با اسم می پردازد و در ترکیبهای دیگر به پایه واژه‌های ترکیبی ضمیر اشاره توجهی ندارد.

با مطالعه دستور زبانهای فارسی این امر به دست می آید که مبحث ترکیب سازی ضمیر کمتر مورد توجه قرار گرفته است، بیشتر مباحث به نقش و نوع ضمائر است. باطنی نیز در وابسته‌های اسمی، صفت اشاره را چهارمین وابسته از حیث درجات وابستگی می شمارد (باطنی: ۱۳۷۳، ۱۳۷) و به قابلیت ترکیبی آنها نمی پردازد.

کلباسی در ترکیبات حاصل از «این» و «آن» می نویسد:

- صفت اشاره +
اسم ضمیر ← اسم، ضمیر، قید
اینجا | آنکه | این همه
آنجا | آنچه | آن همه
آنکس

- صفت تأکید +
ضمیر ← ضمیر مانند: همین / همان
قید ← همچین / همچنان

(ساخت اشتقاقی واژه‌ها: ۱۳۸۰، ۴۲)؛ چنانکه گفته شد دستورها کمتر به ظرفیت ترکیبی ضمائر اشاره پرداخته‌اند و موارد قابل ذکر دیگری وجود نداشت.

واحد آزاد یا وابسته؟

ضمیر اشاره سه کارکرد متفاوت دارد: نخست اینکه به عنوان ضمیر، جانشین اسم می شود و اغلب نقشهای اسم را می پذیرد. دوم اینکه به عنوان وابسته پیشرو با اسم به

کار می‌رود و در جایگاه صفت ظاهر می‌شود. سوم اینکه به عنوان یک واحد زبانی مستقل در جایگاه قید ظاهر می‌شود؛ مانند: همین که، این هم، بدین وسیله، با آنکه، با این حال، بر فرض این، ضمن آنکه، از این رو، از آن رو، بدان سبب، بدان جهت، در این صورت، آن اندازه، همین طور و...

عدم امکان حذف این و آن در برخی ترکیبها

درباره ضمیر اشاره گفته شده است که جانشین اسم می‌شود یا با گروه اسمی به عنوان وابسته پیشین به کار می‌رود، مطالعه نمونه‌های موجود در زبان فارسی نشان می‌دهد که حذف «این» و «آن» در برخی ترکیبها ممکن نیست. معمول است که وابسته‌های اسمی به دلیل داشتن نقشهای فرعی براحتی قابل حذف است اما در همه موارد چنین نیست؛ به چند نمونه اشاره می‌شود:

این بار — این بار او را می‌بخشم.

در این مثال، «این بار» نقش قیدی دارد و اگر به صورت مرسوم بخواهیم توصیف کنیم، باید «این» را وابسته پیشین به شمار آوریم و «بار» را به عنوان هسته تلقی کنیم. در چنین برداشتی با حذف «این» هیچ خللی نباید ایجاد شود. در حالی که چنین نیست؛ با حذف «این» واحد ترکیبی، دیگر آن معنای پیشین را نخواهد داشت، بنابراین به واژه مرکب تبدیل شده است؛ نمونه‌هایی دیگر:

از این رهگذر — از این رهگذر حق با اوست. — از رهگذر حق با اوست
 بدان سبب — گنجه بدان سبب که مورد حمایت بود در امان ماند — گنجه به سبب که...
 در این میان — در این میان، او به پوست خود نمی‌گنجید — در میان، او به پوست خود نمی‌گنجید

در برخی ترکیبات دیگر مانند این گونه، همین گونه، این طور، آن طور... که به عنوان وابسته اسمی در مفهوم مشابهت به کار می‌رود نیز چنین است و حذف ضمیر اشاره غیرممکن است؛ لذا مرکب است و وابسته نیست که بتوان آن را حذف کرد.

برابری ضمیر اشاره با «ی»

در برخی از ترکیبهای «این و آن» در منتهی به «که» ربط وابستگی، «این» یا «آن» برابر با «ی» یایی است که برخی دستورنویسان به آن «ی» تحدید (غلامعلی‌زاده، ۱۳۸: ۱۵۸) و بعضی دیگر «ی» نکره مخصوصه (انوری، ۱۳۸۵: ۸۲) یا «ی» معرفه گفته‌اند. در این

ترکیبها با آوردن «این یا آن» به آوردن «ی» در پایان اسم ترکیبی از ضمیر اشاره نیازی نیست؛ مانند

از همان زمان که... ← با حذف همان ← از زمان که ← ترکیب بی معنی و ناقص است اگر «ی» به مورد آخر اضافه شود معنی دار خواهد بود ← از زمانی که... بنابراین، این مثال نشان می دهد که در ترکیباتی که ضمیر اشاره وجود دارد، می توان «ی» را حذف کرد.

تغییر معنی و کاربرد با جابه جایی در ترکیب

ضمیر اشاره «همین» و «همان» برای اهل زبان شناخته شده است. اگر پایه واژه های این ترکیب جابه جا شود، دیگر آن کارکرد و مفهوم را نخواهد داشت. بنابراین «این» و «آن» در ترکیبهای همین و همان کلمه مرکب ساخته است.

همین که وارد شد تعجب کردم (همین: زمان - ترکیبی).

این هم که وارد شد تعجب کردم (این: نهاد، هم: تأکید - غیر ترکیبی).

همین بود (همین: نهاد - ترکیبی).

این هم بود (این: نهاد، هم: تأکید - غیر ترکیبی).

ترجمه عربی مع ذلک، مع هذا

در زبان فارسی بویژه از سوی اهل فضل، گاهی واژه هایی به کار می رود که از نوع ترکیبهای دخیل عربی در فارسی است؛ مانند «مع ذلک» و «مع هذا». این ترکیبها گاهی با همین شکل و قالب، و گاهی ترجمه آنها در زبان فارسی به کار می رود:

- مع ذلک در همه اطوار... جلوه ای می کند (نامورنامه، ۱۸).

- مع هذا شکست عظیم بر سپاه قزلباش افتاد (به نقل از لغت نامه دهخدا).

- مع هذا چون عبدالمطلب بمرد وصایتها به عباس کرد (به نقل از لغت نامه دهخدا).

- مع هذا طرز بیان شاعر حتی در تصویر این گونه صحنه های شرم آور چنان است... (پیرگنج، ۱۵۳).

در زبان فارسی این ترکیبها به «با این وجود»، «با وجود این»، «با وجود آن»، «با این حال» ترجمه شده است.

- با آن وجود هرگز حاضر به دیدنش نبود.

- با وجود این باید تدبیر دیگری اندیشید.



- با این حال حضور ما فایده‌ای ندارد.
 با عنایت به مطالب پیشین، اینک به ساختمان ترکیبی ضمائر اشاره می‌پردازیم و آنها را در چهار دسته دو جزئی و سه جزئی و چهار جزئی و پنج جزئی تقسیم می‌کنیم و در ادامه با ذکر نمونه‌هایی از متون نثر فارسی معاصر به تحلیل آنها می‌پردازیم:

ساختمان ترکیبی ضمائر اشاره

۱. ضمیر اشاره + که
مانند: اینکه، چنانکه، آنکه
۲. ضمیر اشاره + ضمیر مبهم
مانند: آن کس + آن همه، این همه
۳. ضمیر اشاره + اسم
مانند: این گونه، آن گونه، آن مقدار، آن اندازه، این بار، آن گاه
۴. حرف تأکید + ضمیر اشاره
مانند: همین، همان
۵. حرف اضافه مرکب + ضمیر اشاره
مانند: در طی این، در پی آن، به دنبال آن، پس از آن
۶. حرف اضافه ساده + ضمیر اشاره
مانند: چنین، چنان
۷. ضمیر اشاره + ضمیر پرسش (چه)
مانند: آنچه
۸. ضمیر اشاره + حرف ربط تأکید «هم»
مانند: آن هم، این هم

دو جزئی

۱. حرف اضافه ساده + ضمیر اشاره + که
مانند: چنانکه، با آنکه، از اینکه، بی آنکه، برای آنکه، جز آنکه، غیر آنکه...
۲. حرف اضافه ساده + ضمیر اشاره + اسم
مانند: بدین گونه، بدان گونه، از این رو، از این سبب، به این جهت، با این حال، در این میان، به این ترتیب، از این رهگذر، از آن رو، در این صورت، به این وسیله، در این باره، از همین لحاظ، بر این اساس، با این وجود، از این گونه، از این نظر، از این دید...
۳. حرف اضافه + اسم + ضمیر اشاره
مانند: بر اساس این، به خاطر این، به سبب این، به جهت آن
۴. اسم + حرف اضافه + ضمیر اشاره
مانند: بنابراین
۵. حرف تأکید «هم» + حرف اضافه + ضمیر اشاره
مانند: همچنین و همچنان

سه جزئی

- چهار جزئی
۱. حرف ربط شرط + حرف اضافه + ضمیر اشاره + چه
مانند: اگر چنانکه (چون + آن + چه)
 ۲. حرف اضافه ساده + حرف تأکید + ضمیر اشاره + اسم
مانند: از همان زمان، به همان نسبت، در همان حین، به همین جهت...
 ۳. حرف ربط + ضمیر اشاره + اسم + ی (نکره)
مانند: وانگهی

نمونه ترکیبها

از آن رو، از این رو، بدان سبب، به همین سبب، بدان جهت، برای آنکه، از این رو،
بدان رو، از همین لحاظ، به قصد آن، از برای آن...

این ترکیبها در نقش قید علت به کار می‌رود و از ترکیب حرف اضافه + ضمیر
اشاره + اسم یا حرف اضافه + ضمیر اشاره + حرف ربط همبستگی «که» ساخته می‌شود.
برخی از این کلمات در چند دهه گذشته بسان بسیاری از ترکیبات دیگر اسمی و فعلی
وارد زبان فارسی است؛ مانند

از آن رو، از این رو

- ۱۶۳
- از آن رو ست که عارف از خود و خلق رسته هم مثل نی زبان قال ندارد (سر نی، ۶۵).
 - از این رو نمی‌تواند روح تشنه آدمی را سیراب کند (نامورنامه، ۱۵).

بدان سبب

- گنجه بدان سبب که در این ایام در نقطه سرحد بین مسلمین و نصارای گرجستان
واقع بود یک شهر دنیای اسلام محسوب می‌شد (پیر گنجه، ۱۸).

از آن جهت

- اما حکایت آن پادشاه از آن جهت جالب است که حال این سه پسر در عشقی که به
دختر پادشاه چین دارند... را در طلب نشان می‌دهند (سر نی، ۶۳).

به همین سبب

- به همین سبب دنیای محنت و وثاق اندوه‌هاست (سر نی، ۶۱).

برای آن

- من برای آن که شما را در وحشت و اضطراب نیفکنم... (سرنی، ۴۵).
- برای آن که موفق می‌شود فراوان تلاش کرد.

از همین رو / از این رو

- از این رو نه فقط از توفیقی که خود در تصنیف آن یافته است شکر دارد... (سرنی، ۳۷).
- از همین روست که اینجا تأخیر را ناشی از الزام مهلت در جریان امور می‌داند (سرنی، ۳۶).

به همین سبب / به همان سبب

- تا حدی به همان سبب یاران و مریدان به آسانی... خلافت او را گردن نمی‌نهادند (سرنی، ۱۱۰).

از همین لحاظ

- چنانکه کومدپای الهی دانته هم از همین لحاظ که به طور رمزی سفر روح را... تصویر می‌کند حماسه‌ای روحانی است (سرنی، ۱۲۲).

از این که

- عبدالرزاق کاشانی... از اینکه خداوند وی را به فضل و منت خویش از علوم رسمی نجات داده است اظهار سپاس و خرسندی می‌کند (سرنی، ۱۰۲).

به قصد آن

- ظاهراً به قصد آن که خود را آماده قبول نهی از منکر نشان دهد... (سرنی، ۷۷).

از برای آن

- از برای آن که در رتبه برتر قرار گیرد از هیچ کوششی دریغ نداشت.

بدین گونه / بدان گونه / بدان گونه

- معمولاً ترکیبهای فوق در جایگاه قید شباهت یا همانندی به کار می‌رود:
- بدین گونه، اشتغال مستمر در شبهای طولانی و احياناً روزها به ادامه نظم این کتاب... نشان می‌دهد که... (سرنی، ۲۰).

_____ ظرفیت ترکیبی ضمایر اشاره و نقش آنها در زبان فارسی

- بدین گونه مثنوی نه فقط یک نوع منظومه تسلیمی صوفیانه است... (سرنی، ۲۴).

- بدین گونه با دیده تکریم می‌نگرند (نامورنامه، ۲۵).

همچنان

- اما آنها همچنان تا حدی در جنبه الفاظ و مقالات اهل بحث باقی ماندند (سرنی، ۱۰۲).

قید

- جز در آنچه به عشق حق و ذوق توبه مربوط می‌شد همچنان در حد اقتضای ظاهر

قید

شریعت نگه می‌داشت (سرنی، ۹۷).

همین گونه / همان گونه

این ترکیبها اغلب به عنوان وابسته پیشین اسمی به کار می‌رود و می‌تواند به عنوان قید

همانند و شباهت نیز به کار رود.

الف: وابسته اسمی

- در همین گونه مجالس بود که نی بی‌زبان بی‌همزبان نیز حکایت و شکایت... وی

خوانده بود (سرنی، ۱۱۳).

- ظاهراً از همان گونه معانی هم که بعدها در مثنوی وی با شور و هیجان خاصی مجال

بیان یافت... (سرنی، ۹۹).

ب: نقش قیدی

- همان گونه که مجالس سبعة نیز موبد این دعوی است... (سرنی، ۹۹).

چنین و چنان

چنین و چنان نیز دو کارکرد دارد:

الف: نقش قیدی

- چنان می‌نماید که حسام‌الدین هم از همان آغاز کار محسود و مبعوض حاسدان بوده

است (سرنی، ۲۹).



ب: وابسته گروه اسمی

- توفیق در اشتغال و استمرار چنین کاری را که همچون امری باور نکردنی تلقی می‌کنند (سرنی، ۲۱).

اینکه / آنکه

به نظر می‌رسد «که» همراه با این و آن ترکیب می‌سازد و در مفهوم قید تفسیر یا تبیین به کار می‌رود و از آن جهت که نمی‌شود «که» را از آن جدا کرد، ترکیب به حساب می‌آید.

- اینکه در تمام مثنوی آنچه در جریان تداعی افکار به ذهن و بیان وی می‌آید... (سرنی، ۲۱).

- اینکه او از تدوین یافتن شاهنامه مثنوی ابومنصوری در همان روزهای نوسالی جوانی خویش آن اندازه به شور و هیجان آمده بود احساس او را ... نشان می‌دهد (نامورنامه، ۳۳).

از آن پس، در این میان، در این هنگام، در این ایام و...

این ترکیبات در مفهوم قید زمان به کار می‌رود. گاهی دو جزئی است همانند «آن‌گاه».

اما اغلب سه جزئی از ترکیب حرف اضافه و ضمیر اشاره و گروه اسمی است.

- در این هنگام جلال‌الدین محمد کمتر از بیست و چهار سال نداشت (سرنی، ۹۱).

- چنانکه خود سید برهان در این مدت در قونیه نماند (سرنی، ۹۴).

- از آن پس مدرسه و مقبره پسرش مولانا جلال محمد نیز شد (سرنی، ۹۱).

- در این میان نامه شمس هم از دمشق رسید (سرنی، ۱۰۵).

- اشعار خود را در همان حین نظم به راویان یا کاتبان املا و القا می‌کرده‌اند (سرنی، ۱۹).

- مستمع را جز آن‌گاه که اهل شک و انکار باشد در تردید باقی نمی‌گذارد (سرنی، ۱۳۵).

آن اندازه، آن همه، این همه، با این همه، بیش از آن، چندان، کمتر از آنچه، آن مقدار و...

این ترکیبها در نقش قید مقدار به کار می‌رود:

- این همه نشان می‌دهد که حسام‌الدین را مولانا نور شمس و مثل خود شمس مظهر حق می‌دیده است (سرنی، ۲۶).
- مسافر در آن ایام، آن اندازه بوده است که مجالس پرشور و حال بهاء‌ولد را از ازدحام مستمعان پر کند (سرنی، ۲۶).
- شیخ محمود شبستری نیز که در گلشن راز آن همه از علم اهل حال سخن می‌گوید (سرنی، ۱۰۲).

همین جا، همان جا، تا آنجا، بدان جا، در اینجا، آنجا، از آنجا...

این ترکیبها معمولاً در مفهوم قید مکان به کار می‌رود.

- در همانجا که تعلق به خواجه وی مغیره بن شعبه داشت به جستجوی وی رفت (سرنی، ۶۳).
- پیداست که اینجا هم مولانا می‌ترسد (سرنی، ۲۸).
- وی سرانجام بدانجا عزیمت کرد (سرنی، ۹۰).
- مخصوصاً در آنجا که حدیث عشق و طلب پیش آید (سرنی، ۵۵).

گاهی با ترکیب حرف اضافه + ضمیر اشاره مرکب مکانی + «که» مفهوم علت را می‌رساند؛ مانند

از آنجا که با نور نبوت تجانس دارد و مصطفی زاده‌ای محبوب است صدها گلزار نسیم آن در وجود وی می‌تواند شکفت.

از آن جمله / از این جمله / در آن جمله

این ترکیبها نیز در نقش قیدی و در مفهوم تفسیر یا تبعیض به کار می‌رود:

- از این جمله است اشارات به استمرار و دوام خلافت در خاندان عباسی.... (سرنی، ۴۱).
- از آن جمله است اینکه یک جاسوسی در جواب فرعون که او را متهم به جادوگری می‌سازد می‌گوید من چه نسبت به جادوگران دارم (سرنی، ۴۴).



- از آن جمله است اینکه در هنگام اشتغال به تقریر و املاى مثنوی پاره‌ای از یاران وی حضور دارند (سر نی، ۴۲).

همین / همان

«همین، همان» در ساخت مرکب به دو صورت به کار می‌رود:

الف: به عنوان وابسته پیشین گروه اسمی مانند

- اما به هر حال مربوط به همین شکایت روح و حکایت شوق را مطرح می‌کند (سر نی، ۱۸).

- شور و علاقه فوق‌العاده‌ای که مولانا در تمام مثنوی از همان دفتر اول به وی نشان می‌دهد از همین جاست (سر نی، ۲۶).

ب: به عنوان جانشین گروه اسمی در نقشهای گوناگون اسم مانند

- همان را خطاب کرد آن هم با تأکید فراوان (همان: مفعولی).

- همین بود و لاغیر (همین: مسندی).

- همان بود که جواب نگفت (همان: مسندی).

اگر «همین» با حرف ربط وابستگی «که» ترکیب شود قید می‌سازد؛ مانند

همین که رسید دیگران را حاضر دید.

قید

گاهی «هم» بعد از «این» قرار می‌گیرد در چنین مواردی افاده قید تأکید می‌کند؛ مانند: این هم شاعر با اخیان عصر مربوط بوده با تشدید تا حدی انس کم‌نظیر او را با فرهنگ عامیانه عصر قابل توجیه می‌سازد (پیر گنج، ۱۷).

همچنین / همچنان

ترکیبات اشاره‌ای فوق در نقش قیدی در مفهوم شباهت و همانندی و بعضاً در مفهوم تأیید و تأکید به کار می‌رود؛ مانند

- همچنین در طی دیباچه‌های موجز و لطیف عربی و فارسی... این طرز تلقی آنچه با تعظیم و توقیر خود را از این کتاب عظیم خویش بیان می‌دارد (سر نی، ۳۳).

- همچنین طی خطابی که در ضمن داستان مربوط به سوره عبس از جانب حق به پیغمبر می‌رود (سر نی، ۴۵).

چنین و چنان

ترکیبهای فوق به شکلها و نقشهای زیر به کار می‌رود:

الف: قید تأکید یا تشبیه

- چنان به طور بارز نشان می‌دهد که در این باره برای محقق منتقد جای انکار و تردید باقی نمی‌گذارد (سرنی، ۴۹).

ب: ضمیر جانشین اسم یا صفت در جمله اسنادی

- و حقیقت حال نه چنان است (سرنی، ۴۳).

مسند

ج: وابسته گروه اسمی

- به وسیله خوارزمشاه بهاء‌ولد با سلطان چنین خطابی کرده باشد بعید نیست (سرنی، ۷۴).

این بار

این ترکیب بیشتر برای قید زمان و مرتبه به کار می‌رود. کاربرد امروزی آن بیشتر از گذشته است:

- این بار چنان غیبت کرد که دیگر هرگز نشان از وی پیدا نشد (سرنی، ۱۰۶).

- شمس این بار طاقتش به پایان آمد (سرنی، ۱۰۶).

در این باب / در این باره

به نظر می‌رسد در این ترکیب گشتار خروج به کار رفته و جابه‌جایی در آن صورت گرفته است؛ بدین صورت که حرف اضافه مرکب «در باب» یا «درباره» از جای خود حرکت نموده به پس از ضمیر اشاره انتقال یافته است؛ یعنی اصل چنین بوده است «در باب آن» یا «درباره این» لیکن در گرفتار و نوشتار اغلب، ضمیر اشاره در میان این ترکیب به کار می‌رود؛ مانند

- البته در آن باره جای شک نیست ← البته درباره آن جای شک نیست.

- در این باره هرگونه عذر و بهانه‌ای را کنار بگذارد (سرنی، ۲۸).

(درباره این هرگونه عذر و بهانه‌ای را کنار بگذارد.)

- در این باب از هرگونه خلطی باید اجتناب کرد (سرنی، ۲۶).

(در باب این از هرگونه خلطی اجتناب باید کرد.)



از اینکه، آنکه، از آنکه، اینکه، بی‌آنکه، ضمن‌آنکه، با آنکه

این نوع کاربرد بیشتر برای بیان و یا تأکید به کار می‌رود و دارای ویژگیهای زیر است:
الف: «این» در آغاز جمله فراکرد پیرو به عنوان هسته جمله مرکب قرار می‌گیرد.
ب: معمولاً حذف موصوف صورت می‌گیرد. حال ممکن است موصوف «نکته» یا «مطلب»، «سخن» یا چیز دیگر باشد.

ج: جمله پیرو مؤول را می‌توان به جای «این» یا «آن» به کار برد.
مانند

- و با آنکه به هر حال یاد این یاران مثنوی و در خاطر گوینده آن زنده است... (سرنی، ۲۵).

مؤول (با وجود زنده بودن یاد یاران در خاطر گوینده...)

- اینکه فردوسی به عشق خسرو و شیرین نپرداخته بود در نظر وی ناشی از این معنی بود که ... (پیرگنج، ۱۹)

گاهی این ترکیب مفهوم قید تعلیل دارد؛ مانند

- از آنکه صحبت احمق مایه گمراهی است (سرنی، ۵۳).

غیر از آن

این ترکیب در مفهوم قید استثنا به کار می‌رود و غالباً می‌توان آن را از جمله حذف کرد.
- وی در این باره فقط از روم و قونیه یاد می‌کند غیر از آن که در مورد بهاء‌ولد کتابش بر اختصار است حاکی از این نکته است که... (سرنی، ۸۶).

در این صورت / در آن صورت

این ترکیب در زبان فارسی کاربرد فراوانی دارد و در مفهوم قید نتیجه و تأکید به کار می‌رود؛ گاهی هم با شکل «در غیر این صورت» در مفهوم استثنا به کار برده می‌شود:
- در این صورت ممکن است در عبارت ولد نامه آنچه بعد دو سال خوانده می‌شود بعد ده سال باشد (سرنی، ۸۷).

- افلاکی هم در مناقب‌العارفین وفات بهاء‌ولد را در سنه ۶۲۸ ذکر می‌کند که در آن صورت ورود شمس به قونیه چهارده سالی بعد از وفات وی خواهد بود (سرنی، ۸۷).

- چون در غیر این صورت باید مثل اعراب جاهلی تصور کنند (سرنی، ۲۱).

- ... (پیر گنجه، ۱۶).

با این حال

این ترکیب نیز در نقش قیدی به کار می‌رود و مفاهیم گوناگونی چون حالت و وضعیت دارد. حذف این ترکیب هیچ خللی در ارکان جمله ایجاد نمی‌کند.

- با این حال بر رغم ناتمام ماندنش که خاموشی طولانی مولانا در اواخر عمر... کار وی را تمام گذاشت (سرنی، ۱۷).

- با این حال وی را در مقابل سعی حاسدان دلداری می‌دهد (سرنی، ۳۲).

بدین ترتیب

این ترکیب در پایان جمله‌های گزارشی می‌آید و مفهوم نتیجه و انجام می‌دهد. در مواردی به جای «ترتیب» کلماتی چون «شکل و صورت» نیز به کار رفته است:

- و بدین ترتیب تعداد تمام ابیات آن در نتیجه‌های معتبر و موثق خالی از زواید و الحاقات مجموعاً به ۲۵۶۳۲ بیت می‌رسد (سرنی، ۲۳).

- بدین ترتیب عالی‌ترین حماسه عرفانی در زبان فارسی به وجود می‌آید (سرنی، ۱۹).

بر فرض آن

۱۷۱ این ترکیب قبل از جمله‌های گزارشی که پذیرش آن همراه با تردید است آورده می‌شود.

- لیکن بر فرض آنکه درین سال هم بهاء ولد در هرات و در محضر خوارزمشاه و فخر رازی مجلس تذکیر منعقد کرده باشد باز به نظر نمی‌آید در چنین مجلسی توانسته باشد این‌گونه سخن را بر زبان راند. (سرنی، ۹۵).

بدین وسیله

این ترکیب مفهوم علت یا نتیجه بیان پیشین است و برای بیان علت یا نتیجه به کار می‌رود. اگر مفهوم واسطه و وسیله از آن دریافت شود، می‌توان آن را قید وسیله یا سبب نام نهاد.

- مولانا بدین وسیله نشان می‌دهد که آنچه نی برای نیل بدان شور و اشتیاق اظهار می‌دارد دریافت و وصولش برای سالک بدون هدایت و ارشاد مرشد راز آشنا ممکن نیست (سرنی، ۶۴).

- بدین وسیله علاقه عوام متشرعه و صوفیه ولایت را به سلطنت خود جلب نماید (سر نی، ۷۷).

در عین آن

این ترکیب نیز از ترکیبات پرکاربرد است. به نظر می‌رسد به فراکرد پیرو خود افاده معنی تأکید دارد.

- در عین آن که صوفیه را از حدود ظواهر شریعت دور می‌کرد سبب تلطیف ذوق و تشحیذ قریحه آنها می‌شد (از چیزهای دیگر، ۹۲).

نتیجه‌گیری

زبان فارسی توانایی و ظرفیت فراوانی در زایایی کلمات و ترکیبات واژگان دارد. ضمایر اشاره به عنوان یکی از مقوله‌های زبانی، فراوان از این ظرفیت بهره‌مند است. این ضمایر با پذیرش همنشینی و با ترکیب با آنها واحد زبانی دیگری به نام قید می‌سازد. این همنشینی‌ها در بسیاری از موارد قابل تفکیک و حذف نیست بلکه با ترکیب، چنین نقشی را ایفا می‌کند. ضمایر اشاره با قرارگیری در کنار همنشین‌هایی چون اسم و حرف اعم از ربط و اضافه، واژگانی مرکب به دست می‌دهد که اغلب نقش قیدی در مفاهیم زمان، مکان، علت، شباهت، تأکید، استثنا، بیان و غیره دارد. در زبان فارسی معاصر این ظهور بیشتر از گذشته است؛ زیرا به گذر زمان بهره‌مندی زبان فارسی از ترکیب در تمام مقوله‌های زبانی بیشتر شده است. به اختصار نتیجه تحقیق چنین است:

۱. دامنه ترکیب ضمایر اشاره در زبان فارسی بسیار زیاد است. پژوهش و بررسی در گونه‌های مختلف آن به لحاظ سیر تاریخی اهمیت فراوانی دارد.
۲. ضمایر اشاره آن‌گاه که پیش از اسم قرار می‌گیرد به عنوان صفت اشاره یا وابسته قابل حذف است؛ اما در موارد بسیاری به دلیل مرکب بودن، قابل حذف نیست؛ مطلبی که دست‌نویسان زبان فارسی بدان نپرداخته‌اند.
۳. برخی از این ترکیبها صورت ترجمه‌ای از اشاره‌های مرکب مع‌هذا، مع‌ذلک... عربی است؛ مانند با این وجود، با این حال و...
۴. معمولاً در برخی از ترکیبات حاصل از ضمایر اشاره، جابه‌جایی و حرکت در عناصر ترکیبی مشاهده می‌شود؛ مانند در این باب ← در باب این.

_____ ظرفیت ترکیبی ضمایر اشاره و نقش آنها در زبان فارسی

۵. یای تحدید یا نکره مخصصه، وقتی با اسمی همراه است و آن اسم، وابسته اشاره دارد این وابسته قابل حذف است لیکن هنگامی که این «یا» ساقط شود وابسته اشاره قابل حذف نیست. ما این یا را برابر صفت اشاره تلقی می‌کنیم.
۶. هیچ یک از کتابهای دستور زبان فارسی در این موضوع، پژوهشی گسترده و درخور ارائه نکرده‌اند. برخی فقط به واژه‌های «همین و همان و اینجا و آنجا» به عنوان واژگان مرکب اشاره کرده‌اند.

پی‌نوشت

* نگارنده به حرف اشاره اعتقادی ندارد و ضمیر را مناسب می‌داند اما برای حفظ امانت آن را آورده است.

منابع

۱. افراشی، آریتا؛ ساخت زبان فارسی؛ تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۲. انوری، حسن؛ گیوی، حسن؛ دستور زبان فارسی ۱؛ تهران: فاطمی، ویرایش سوم، ۱۳۸۵.
۳. باطنی، محمد؛ توصیف ساختمان دستور زبان فارسی؛ چ پنجم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۲.
۴. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه دهخدا؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۵. زرین‌کوب، عبدالحسین؛ سر نی؛ چ ششم، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۴.
۶. _____؛ نامور نامه؛ تهران: سخن، ۱۳۷۴.
۷. _____؛ پیر گنجی؛ چ هفتم، تهران: سخن، ۱۳۸۶.
۸. _____؛ از چیزهای دیگر؛ چ چهارم، تهران: سخن، ۱۳۷۹.
۹. غلامعلی‌زاده، خسرو؛ ساخت زبان فارسی؛ تهران: احیاء کتاب، ۱۳۸۶.
۱۰. کلباسی، ایران؛ ساخت اشتقاقی واژگان در زبان فارسی؛ چ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۰.
۱۱. مشکوه‌الدینی، مهدی؛ واژگان و پیوندهای ساختی؛ تهران: سمت، ۱۳۸۴.
۱۲. مقربی، مصطفی؛ ترکیب در زبان فارسی؛ تهران: توس، ۱۳۷۲.

